



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!

## محبیب الرحمن « خطیپی »

د نشر نیټه : 7 نوامبر 2015 م



# چگونه گویم؟!

باز به عشقت باختم ، ای فرشته ی رویا هایم .  
این غرور مردانه ام را به بازی نگیر.  
طراوت عطر بدنت ، صدای ملیحت ، ادای معصومت ، چشمان افسونگرت تپش قلبم را افزون میکند .  
زبانم می خشکد ، آن لرزش همیشگی اندام و قلب مرا از بی پرده نمودن رازی که سال هاست در  
آشیانه قلبم دفن است از ابرازش و امیدارد.  
آهو چشمم ....  
این چی عشقیست ؟  
این چی لاف محبت است ؟  
که به خویشتن زخم  
این چی سوگند است ؟  
که با عشقت میبندم  
دل گوید ..  
این را میدانم که باخود در جنگی ، به آن آهو چشم مرا زیان بسته ، مرا به دستان بسته سپردی  
اما میدانی ؟  
او مرا سزاوار این نمیداند با زهر خنده اش مرا مسخره مسیازد .  
مرا به آن غروری که دارم به خویشتن خجل مسیازد .  
میدانم که میدانی !!  
اما آن راز که تو بیان نکردی ، او نیز چنان رازی دارد .  
میدانی ؟  
غرق عشق دگریست

غرق خیال دگریست  
چنان دل‌بند و مهو خیالات دگریست که همه غرورش را همه خوشی هایش را نثار او نموده است .  
چرا ، چرا ، از خود بی خبری ؟  
چرا نمیدانی..؟

عزیزم !  
خیره خیره به سقف مینگرم ؛ صدای که مخاطبش معلوم نیست با بغض بلند میشود، میدانم او نمیداند  
از حيله و نیرنگ دنیا ! از اشخاص فتنه جو بی خبر است به‌دستان خود جوانی خود را به بازی  
گرفته است غرق آن آرزو ها گشته که شیطان صفت ها در نظر معصومش جلوه داده اند ...  
ااه

آه چشمم ...  
راحت بخش سکوت شب هایم ، این عشق که همیشه در کمین است که چگونه این محبت که از اعماق  
حیاست نه از هوس در دامن با صفای تو اندازد .  
اما تو کجائی ؟  
اما تو کجائی ؟  
سکوتم را بشکن ...

\*\*\*

مجیب الرحمن « خطیبی »

[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org) - بازگشت به صفحه اصلی